

## سومالی سرزمین قبیله‌ها

ع.ر. امیردهی

### مقدمه

سومالی از جمله کشورهای با سابقه اسلامی است؛ سرزمینی که با اکثریت قریب به اتفاق مسلمان‌نشین، فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است.

در این نوشتار، سخن از سومالی با توضیح اجمالی منطقه «شاخ آفریقا» که سومالی در آن قرار دارد، و اهمیت استراتژیکی آن، آغاز گردیده، سپس با ذکر مشخصات جغرافیایی و اوضاع اقلیمی و جغرافیای انسانی، به تبیین موقعیت استراتژیکی سومالی و طمع قدرت‌مندان نسبت به آن و نیز دوره وابستگی و سلطه استعماری آن و چگونگی مبارزه مردم برای آزادی و استقلال این سرزمین پرداخته شده است.

در ادامه، از مسئله ورود اسلام به سومالی، دین و زبان رسمی و نقش قبایل در این سرزمین سخن به میان آمده و ضمن برشمردن سازمان‌های سیاسی آن، از آخرین وضعیت این کشور و ساختار تشکیلاتی محاکم اسلامی آن (به عنوان قوی‌ترین تشکیلات حاکم بر این کشور در حال حاضر) و همچنین موضوع تفرقه سومالیایی و فرصت‌طلبی آمریکا گزارش داده شده است.

### ۱- «شاخ آفریقا»

شاخ آفریقا، بافت جغرافیایی ناهماهنگ و ناهم‌گونی در شرق آفریقا است که در آن از اقلیم‌های متفاوت و پستی‌ها و بلندی‌های گوناگون تا مردمانی وابسته به فرهنگ‌ها و ادیان متفاوت مسلمان، مسیحی، یهودی و بت‌پرست، وجود دارند که فقط از منظر سیاسی و استراتژیک از وحدت برخوردارند و در دیگر وجوه، هیچ‌گونه هماهنگی و وحدت ندارند.

این واژه اعتباری، پنج کشور سومالی، جیبوتی، اریتره و سودان را در بر می‌گیرد، که در مجموع

بیش از نود میلیون نفر جمعیت را در خود گردآورده است. این منطقه از شرق و جنوب شرقی به اقیانوس هند، از شمال به خلیج عدن و از شمال شرقی به دریای سیاه محدود می‌شود. مرکز شاخ آفریقا را مناطق کوهستانی بخش غربی اتیوپی در برمی‌گیرد و در غرب، به دشتهای حاصل‌خیز سودان که در حوزه آبریز نیل علیا و انشعابات و ریزابه‌های آن قرار دارد، و در شمال، به منطقه دارفور سودان محدود می‌شود.

## ۲- جایگاه استراتژیکی شاخ آفریقا

در جهان امروز مناسبات تجاری بین اروپا، آفریقا و آسیا به شدت وابسته به ارتباطات دریایی از طریق خلیج فارس، دریای سرخ و کانال سوئز است. اهمیت شاخ آفریقا بیشتر از آن جهت است که دو تنگه مهم و استراتژیک هرمز و باب المندب و کانال یا گذرگاه بین‌المللی و بسیار کلیدی سوئز در پیرامون آن واقع شده است. هر نوع مشکلی که برای این آبراهه‌های استراتژیک پدید آید، می‌تواند به جریان نفت و رفت و آمد کشتی‌های تجاری و نظامی لطمه وارد کند.

با توجه به اهمیت خلیج فارس از نظر موقعیت جغرافیایی مناسب به عنوان چهارراه ارتباطی با وجود ذخایر بزرگ نفت و گاز، تأمین‌کننده دست‌کم ۷۰ درصد نفت خام مصرفی جهان تا سال ۲۰۲۰، پایین بودن هزینه تولید نفت خام نسبت به دیگر مناطق جهان، دارا بودن ۶۵ درصد ذخایر انرژی جهان با حدود بیش از ۶۰۰ میلیارد بشکه، تولید حدود ۳۰ درصد نفت جهان، سهم ۱۰ درصدی نفت در تجارت جهان با صدور روزانه بیش از ۲۰ میلیون بشکه نفت خام و فرآورده‌های نفتی، وجود ۸۰ درصد ذخایر منطقه خاورمیانه در خلیج فارس (چهار کشور عربستان، کویت، ایران و عراق) که پنج برابر ذخایر آمریکاست، حضور طولانی مدت غرب به ویژه آمریکا را در منطقه حتمی می‌سازد. بنابراین، تا این ویژگی‌ها در خلیج فارس وجود دارد، آبراهه‌های پیرامون آن، از جمله تنگه‌های هرمز و باب المندب و کانال سوئز و در نتیجه، دریای سرخ و به تبع آن منطقه شاخ آفریقا، اهمیت استراتژیک خود را خواهد داشت.

بنابراین شاخ آفریقا به عنوان یک نقطه گذرگاهی مهم جهان واقع در سه راه ارتباطی بین منطقه خلیج فارس و دریای مدیترانه و ارتباط دهنده دو گذرگاه ارتباطی مهم تنگه هرمز و کانال سوئز، دارای اهمیت استراتژیکی بسیار است و به طور قطع هر نوع عدم ثبات سیاسی-نظامی در شاخ آفریقا موجب بروز اختلال در جریان انرژی بین خلیج فارس به عنوان مرکز تولید انرژی هیدروکرووری و کشورهای حوزه دریای مدیترانه از جمله ترکیه، یونان، ایتالیا، فرانسه و اسپانیا خواهد شد که عمده‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی خاورمیانه در این حوزه به شمار می‌روند.

از سوی دیگر، حضور رژیم صهیونیستی - به عنوان حافظ منافع آمریکا - در حوزه دریای سرخ و نیز ارتباط این رژیم با یهودیان اتیوپی و برنامه‌ها و طرح‌های توسعه این رژیم با استفاده از منابع آبی رود نیل، رود علیای مصر و دره نیل و نیز تقسیم و تضعیف جریان آب و ایجاد بحران کم آبی در منطقه، بر اهمیت استراتژیکی شاخ آفریقا می‌افزاید.

### ۳- مشخصات جغرافیایی و اوضاع اقلیمی سومالی

سومالی با مساحت ۶۳۷۶۵۷ کیلومتر مربع، از لحاظ وسعت، چهلمین کشور جهان به شمار می‌رود. این کشور در غرب اقیانوس هند، جنوب خلیج عدن و در شرق قاره آفریقا و در همسایگی کشورهای اتیوپی (از غرب با ۱۶۲۶ کیلومتر مرز)، جیبوتی (از شمال غربی با ۵۸ کیلومتر مرز) و کنیا (از جنوب غربی با ۶۸۲ کیلومتر مرز) واقع شده است و خط استوا از قسمت جنوبی آن می‌گذرد. طول خطوط ساحلی سومالی حدود ۳۰۲۵ کیلومتر است. بلندترین نقطه سومالی ۲۴۱۶ متر ارتفاع دارد. کشور سومالی در مجاورت اقیانوس هند قرار گرفته است اما به سبب شرایط خاص جوی، رودخانه‌های کشور محدود به دو رودخانه مهم «جوبا» و «شَبلی» است که از خاک اتیوپی جریان پیدا نموده و به طرف مناطق جنوبی امتداد می‌یابد.

قسمت‌های عمده خاک سومالی به صورت فلات صاف و مسطح بوده و ارتفاعات عمده کشور در مناطق شمال و در نزدیکی مرزهای اتیوپی قرار دارد. بلندترین نقطه آن، قله سورداد است که ۲۴۰۸ متر (۷۹۰۰ پا) ارتفاع دارد.

سومالی دارای آب و هوای صحرایی یا شبه صحرایی می‌باشد. چهار فصل سومالی بر اساس شرایط اقلیمی، در عمل به فصول خشک و بارانی تقسیم شده است. آب و هوای آن در نواحی شمالی معتدل کوهستانی و در سایر نقاط گرم و مرطوب و نسبتاً کم باران است. در نواحی مجاور اقیانوس هند معمولاً درجه حرارت بین ۶۵ تا ۱۰۵ درجه فارنهایت است.

مهم‌ترین جزایر سومالی عبارت‌اند از: مجموعه جزایر «باب» (که در ورودی خلیج ناگوار واقع است)، جزیره «میت» (نزدیکی بندر بربرا) و جزایر «بهاما»، «الکوی» و «سوقطره» و نیز مجموعه جزایر «باجون» که در نزدیکی سواحل کیسمائو تا پورخافو قرار گرفته‌اند.

رودخانه‌های سومالی را می‌توان به دو قسمت تقسیم نمود: الف) رودخانه‌های فصلی، مثل «دگمان»، «هادی بلادا»، «توگ وین»، «فولا» و «دودوبا» (که به خلیج عدن می‌ریزند) و «جائیل»، «ضرور» و «نوگا» (که به اقیانوس هند می‌ریزند)؛ ب) رودخانه‌های دائمی، مثل «شَبلی» و «جوبا».

#### ۴- جغرافیای انسانی

جمعیت سومالی حدود ده میلیون نفر می‌باشد و میزان رشد آن ۲/۵۵٪ است. ۹۸٪ مردم آن از گروه‌های نژادی بومی سومالیایی، ۱/۶٪ بانتو و ۱/۱٪ عرب می‌باشند.

سابقه تاریخی تشکیل جمعیت این سرزمین و کلیه طوایف سومالی به دو برادر به نام‌های «سومال» و «سب» نسبت داده می‌شود که هر دوی آنان مسلمان بوده و برای تبلیغ دین اسلام به سرزمین سومالی امروز پای نهاده بودند. طوایف عمده «دیر»، «دارود»، «اسحق» و «هاویه» که ۷۵٪ از سکنه سومالی را تشکیل می‌دهند خود را فرزندان سومال می‌دانند؛ اما طوایف «دیزان» و «راهانین» خود را وابسته به سب می‌شمارند و ۲۰٪ از مردم سومالی از این طوایف منشعب گردیده‌اند. معمولاً طوایف سومال در شمال و مرکز و قبایل سب در جنوب کشور مستقر هستند.

علاوه بر دو قبیله بزرگ سومال و سب، قبایل معروف دیگری مانند قبیله «دارود»، «صعب» و «ایریر» (که از سه قبیله فرعی مهم هاویه، اسحق و دیر تشکیل شده است) در سواحل اقیانوس هند و نواحی شمال سکونت گزیده‌اند که فرهنگ و زبان آنها با سومال‌ها متفاوت است و به زبان‌های مختلفی که یکی از آنها «بانتو» است صحبت می‌کنند.

در طی قرون متمادی، این قبایل کوچک نیز به تدریج جذب سومال‌ها شده و بسیاری از آداب و رسوم و حتی زبان آنها را انتخاب کرده‌اند. سومالیایی‌ها به این قبایل «حبشو» یا «حبشی» (که مراد، مهاجرت آنها از حبشه در ایام قدیم می‌باشد) لقب داده‌اند. اما ایتالیایی‌ها آنها را «لیبرتی» می‌خواندند و منظور از این نام آن بود که این قبایل بردگانی بوده‌اند که برای کسب آزادی به سومالی آمده و در آنجا مستقر شده‌اند.

اکثریت قاطع مردم سومالی به زبان سومالیایی صحبت می‌کنند. در سال ۱۳۵۲ هجری این زبان در کشور رسمیت یافت اما بعدها، کشور سومالی به عنوان مملکت عرب زبان و مسلمان خوانده شد و زبان عربی، زبان رسمی کشور اعلام گردید و از کلیه مردم سومالی خواسته شد زبان عربی را فراگیرند. زبان‌های خارجی مرسوم در کشور به سبب استعمار طولانی انگلستان و ایتالیا، در مناطق مختلف کشور رایج است و معدودی نیز به زبان فرانسه آشنایی دارند.

#### ویژگی‌های جمعیتی جمهوری سومالی آستانه سال ۲۰۰ میلادی

مساحت	۶۳۷۶۵۷ کیلومتر مربع
جمعیت	۹۳۸۰۰۰۰ نفر
نسبت جمعیت زیر ۱۴ سال	۴۴ درصد
نسبت جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال	۵۳ درصد

نسبت جمعیت بالای ۶۵ سال	۳ درصد
نرخ رشد جمعیت	۲/۹ درصد
نرخ زاد و ولد در هر هزار نفر	۴۷/۷ نفر
نرخ مرگ و میر در هر هزار نفر	۱۸/۶۹ نفر
نرخ مرگ و میر کودکان در هر هزار نفر	۱۲۵/۷۷ نفر
نرخ باروری زنان	۷/۱۸ درصد
نسبت جنسی مردان در کل جمعیت	۱/۰۱
امید به زندگی در بین مردان	۴۴/۶۶ سال
امید به زندگی در بین زنان	۴۷/۸۵ سال
نرخ باسوادی در مردان بالای ۱۵ سال	۳۶ درصد
نرخ باسوادی در زنان بالای ۱۵ سال	۱۴ درصد
تیره‌های جمعیتی	سومالیایی، عرب، بانتوئی
مذهب اکثریت جمعیت	اسلام (اهل تسنن)
زبان رسمی	سومالیایی
زبان‌های رایج	سومالیایی، عربی، ایتالیایی، انگلیسی

### ۵- موقعیت استراتژیکی سومالی و تجاوز استعمارگران

با این که سومالی از جمله فقیرترین و محروم‌ترین کشورهای آفریقا و بلکه جهان می‌باشد، اما به خاطر موقعیت استراتژیکی آن بارها و بارها در قرون گذشته و حال مورد تهاجم استعمارگران غرب و شرق قرار گرفته است و در عمل هیچ‌گاه دارای سیاست مستقل و ثابتی نبوده است. این کشور مدتی تحت استعمار انگلیس، فرانسه، ایتالیا، شوروی (سابق) و تا قبل از فروپاشی حکومت زیادباره نیز عملاً در منطقه نفوذ آمریکا قرار داشت. هرچند سومالی در سال ۱۳۳۹ به استقلال رسید و به عنوان کشوری مستقل و غیر مستعمره شناخته شد و در ۲۶ ژوئن ۱۹۶۰ دولت مستقل سومالی تشکیل گردید، ولی هم‌چنان به طور غیر مستقیم استعمار غرب و شرق بر آن حاکم بوده‌اند.

قرار گرفتن سومالی در مجاورت دریای سرخ مهم‌ترین علت اهمیت استراتژیکی این کشور در منطقه است. به همین سبب از نیمه دوم قرن نوزدهم به بعد به دلیل اهمیت دریای سرخ برای کشورهای مسلط بر این دریا و به خصوص کشورهایی که بر تنگه عدن مسلط بودند توجه آنها به سومالی نیز جلب شد. علت این افزایش توجه، اهمیت افتتاح کانال سوئز بود که دریای مدیترانه را از طریق دریای سرخ و تنگه عدن به اقیانوس هند متصل می‌ساخت. جمهوری سومالی که در منتهی الیه شاخ آفریقا و در نیم‌کره شرق آفریقا واقع شده است به علت مجاورت با «باب المندب» (که رابط

اقیانوس هند و دریای سرخ بوده و در شمال آن کشور قرار گرفته است) پیوسته مورد توجه بیگانگان بوده است.

این نکته نباید فراموش شود که موقعیت استراتژیک سومالی مسئولیتی دوجانبه را بر عهده این کشور می‌گذارد: یکی آن که در شاخ آفریقا به پاسداری از مدخل جنوبی دریای سرخ می‌پردازد و دیگر آن که نماینده دورترین نقطه جهان اسلام در قلب آفریقا و جنوب خط استوا است.

## ۶- دوره وابستگی و سلطه استعماری

پرتغالی‌ها در سال‌های نخست قرن شانزدهم به آب‌های اقیانوس هند راه یافتند و سیطره خود را بر موزامبیک تحمیل کرده و بسیاری از شهرهای اسلامی ساحل آفریقا را ویران ساختند؛ چنان که بنادر سومالی مشرف بر اقیانوس هند را نیز مورد تجاوز قرار دادند و به این جنگ چهره جنگ‌های اقتصادی بخشیدند که هدف آن به تسلیم کشاندن شرق در برابر منافع غرب و رام کردن آن در برابر حکومت نیروهای استعماری بود، ولی مردم مسلمان سومالی توانستند با یاری گرفتن از لشکرهای جزایر که امام عثمان به فرماندهی امیر سالم صارمی برای آنها فرستاد از آزادی و استقلال خود دفاع کنند و پرتغالی‌ها را سرکوب نموده و از اقیانوس هند و سرزمین‌های سومالی و اغلب بنادری که اشغال کرده بودند، بیرون نمایند. سپس مزدوران حکومت‌های بیگانه اعم از انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها و ایتالیایی‌ها برای خرید زمین به منظور ساختن پایگاه‌های نظامی و اسکله و برپا کردن مراکز استعماری در شرق این قاره به بررسی سواحل سومالی پرداختند.

مردم سومالی این فعالیت استعماری اروپا را خطری فراگیر برای کشورشان دانستند و این امر باعث شد از ورود مصریان به سرزمینشان استقبال کنند و در نیمه دوم قرن نهم با مصریان متحد شده و به این ترتیب بر دو بندر «زیلع» و «بربره» تسلط کامل پیدا کنند، ولی نیروهای استعماری با دخالت خود مانع از آن شدند که سایر شهرهای سومالی به ویژه مناطق مشرف بر اقیانوس هند به این اتحاد پیوندند و انگلستان با این ادعا که این قسمت‌ها تحت حاکمیت زنگبار است، اصرار داشت مناطق سومالی را میان بیش از یک حکومت تقسیم کند.

طولی نکشید که بریتانیا بر ساحل شمالی سومالی که روبه‌روی پایگاه آن در عدن واقع بود سیطره یافت تا به این ترتیب تأمین مایحتاج این پایگاه اعم از تدارکات، سبزی‌جات و گوشت را تضمین کند و در سال ۱۸۸۵ به رغم مخالفت و مقاومت مردم «زیلع» و «بربره» این دو منطقه را نیز به اشغال خود درآورد.

بریتانیا در این اشغال از نیروهایی یاری گرفت که از هند و پایگاه خود در عدن احضار کرده بود و در سال ۱۸۸۷ با تهدید آتش توپخانه‌های ناوگان، این سرزمین را به تحت‌الحمایگی خود درآورد. این نخستین بخشی بود که یکی از حکومت‌های استعماری از پیکر سومالی جدا کرد و در سال ۱۸۹۵

بریتانیا بخش مهمی از سومالی را که تقریباً یک پنجم مساحت آن را تشکیل می‌داد همراه با ساکنانش به کنیا که آن را تحت الحمايهٔ بریتانیا اعلام کرده بود منضم کرد.

در همین زمان فرانسه نیز به علاوهٔ «ایک» بر بخش دیگری از سومالی که در برابر تنگهٔ «باب المندب» قرار داشت سیطره یافت و سپس در سال ۱۸۸۸ بر سر مرزهای جنوبی آن بخش از سومالی که در اختیار فرانسه بود با بریتانیا و پس از آن در سال ۱۹۰۱ بر سر مرزهای شمالی با ایتالیا به توافق رسید. بریتانیا و فرانسه هر دو می‌کوشیدند بر منطقهٔ «هرر» سومالی تسلط یابند و بریتانیا سرانجام موفق شد مانع از رسیدن فرانسه به این منطقه شود و این منطقه را تحت حکومت شیوخ محلی قرار داد تا آن که در سال ۱۸۸۷ «منلیک» پادشاه «شوا» در جنوب حبشه این منطقه را به اشغال خود درآورد و آن را تابع فتودالیسم خود قرار داد.

سایر سواحل مشرف بر اقیانوس هند در سومالی نیز به اشغال بریتانیا در آمد و در نتیجهٔ هم پیمانی ایتالیا و انگلستان، ایتالیا توانست به بنادر سومالی پیشروی کند و سپس در سال ۱۸۹۶ سلطه خود را بر بخش «سومالی بریتانیا» تا پایان مرزهای سومالی در جنوب خط استوا اعلان نمود و سپس معاهده‌ای را با حبشه به امضا رسانید که بر اساس آن منطقهٔ «اوگادن» ضمیمهٔ کشور حبشه می‌شد؛ به این ترتیب، کشور سومالی از هم گسست و میان کشورهای استعماری تقسیم شد و از این راه زمینه مستعمره شدن و به یغما رفتن ثروت‌های آن فراهم آمد. (آزیر، ص ۱۶۵-۱۶۳).

## ۷- انقلاب بزرگ و جهاد

انگیزه سومالیایی‌ها برای مبارزه در راه آزادی و استقلال سرزمین اسلامی خود به رهبری مجاهد آفریقای و رهبر دینی «محمد بن عبدالله حسن» موجب انقلاب بزرگی شد که آتش آن از سال ۱۹۰۱ تا سال ۱۹۲۱ مشتعل بود و طی آن سومالیایی‌های مسلمان به نبرد با نیروهای غاصب استعمارگر برخاستند و در خلال جنگ جهانی اول نیز به این نبرد ادامه دادند، اما طولی نکشید که نیروهای استعمارگر مجهز به سلاح‌های مخرب و ویران‌گر بر مجاهدان قهرمان فایق آمدند و حمله‌های هوایی صفوف آنها را درهم شکست، ولی ادامه جنگ جهانی دوم سبب شد ایتالیا با شکست از سومالی خارج شود و بریتانیا، سومالی ایتالیا را در سال ۱۹۴۱ به اشغال خود درآورد.

در نوامبر سال ۱۹۴۹، سازمان ملل بیانیه‌ای صادر کرد که به موجب آن اداره سومالی به مدت ده سال به ایتالیا واگذار می‌شد. در نیمه شب یکشنبه ۲۶ ژوئن سال ۱۹۶۰ حکومت استعماری در سومالی بریتانیا به پایان رسید و جمهوری متحدهٔ سومالی روز جمعه برابر با اول ژوئیه سال ۱۹۶۰ تولد یافت و «موگادیشو» پایتخت مناطق جنوبی به عنوان پایتخت این جمهوری قهرمان برگزیده شد. اما بخشی که تحت سیطرهٔ فرانسه بود در ماه می سال ۱۹۷۷ با تشکیل حکومتی جدید، یعنی جمهوری جیبوتی، به استقلال رسید. (پیشین، ص ۱۶۶-۱۶۵).

## ۸- ورود اسلام به سومالی

با توجه به این که «سومال» و «سب» از پایه گذاران اصلی قبایل سومالی به شمار می‌روند و از طرفی این دو برادر نسبشان را از طریق وارد بن دوح بن لدمر بن کمال بن رضوان بن عقیل بن ابی طالب به قبیله قریش (و بنی هاشم) می‌رسانند و نیز قبیله اسحاق (به ویژه در شاخ آفریقا) بر اساس شجره نامه‌های موجود مدعی اند که نسبت آنها به حضرت امام حسین علیه السلام می‌رسد، می‌توان تاریخ ورود اسلام به سرزمین سومالی را با تاریخ مهاجرت گروه‌هایی از بنی هاشم در صدر اسلام به این منطقه مقارن دانست و بعید به نظر نمی‌رسد که عده‌ای از این افراد از بقایای اولین مهاجرین اسلام باشند که در اثر اذیت و آزار مشرکان به امر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حبشه مهاجرت کردند و در همان مناطق (حبشه، سومالی بزرگ و شاید قسمتی نیز در سودان) منتشر شده و قبایل فعلی منطقه از احفاد و نوادگان آن دسته از مسلمین باشند.

از سوی دیگر، نباید نقش بازرگانان مسلمان عرب که در قرن دهم میلادی به قصد تجارت به خاک سومالی راه یافته بودند، در معرفی و ترویج اسلام در این کشور نادیده گرفته شود. (یحیی، ۱۹۹۹، ص ۱۷-۲۲). این ارتباط تجاری چنان قوی بوده است که به پیش از اسلام برمی‌گردد و به قولی، سرزمین سومالی، زمینه خوبی برای تجارت اعراب به شمار می‌رفته است. (احمد حامد، ۲۰۰۲، ص ۱۱۱). برخی از شهرهای سومالی به دست مسلمانان بنا شده است؛ مثلاً موگادیشو احتمالاً در عصر عبدالملک بن مروان (۶۸۵م-۷۰۵م) و توسط اعراب بنا شده است.

این احتمال نیز هست که بنای شهر مرکا نیز که اولین بار این سعید (متوفای ۱۲۸۷م) از آن نام برده است، به همین عصر مربوط شود.

وجود سه باب مسجد بسیار قدیمی در موگادیشو (که به سال‌های ۳۶/ش ۱۲۳۸م و ۶۷/ش ۱۲۶۸م مربوط می‌شوند) نشان‌گر این حقیقت است که در قرن سیزدهم، مسلمانان در این بندر از وضعیت خوبی برخوردار بوده‌اند. (ژوزف، ۱۳۷۳، ص ۴۹۱).

توصیف مردم بندر زیلع به پرهیزکاری، روزه‌داری، نماز خوانی و زیارت خانه خدا به صورت پیاده، گویای نفوذ و گسترش اسلام در این منطقه از قرن دهم میلادی به بعد است.

بر اساس نوشته‌های یاقوت حموی (سال ۱۱۲۴م)، شهرهای زیلع و بربره، بدون شک دو شهر مسلمان‌نشین بوده‌اند و هنگامی که ابن بطوطه در سال ۱۳۳۰م، یعنی بیش از یک قرن بعد، از زیلع بازدید کرد تصدیق نمود که مردم این شهر، از مذهب شافعی پیروی می‌کنند و اکثریت آنها متعلق به شاخه‌ای از زیدیه (از فرق شیعی) می‌باشند.

او حتی به این نکته اشاره نمود که یک «رواق» (بخشی از مسجد و بیوتات آن) در مسجد اموی دمشق به طلاب زیلع اختصاص دارد. اهالی شهر بربره نیز که در نزدیکی زیلع واقع است، به گفته دمشقی (متوفای سال ۱۳۲۷) زیدی و شافعی مذهب‌اند.



بنابراین در وابستگی این دو بندر به یمن، هیچ‌گونه تردیدی نیست و احتمالاً آمیختگی ساکنان این بنادر بسیار شدید است: سنی‌های عرب، یمنی‌های پیرو زیدیه، ایرانیان شیعی مذهب و سومالیایی‌های آمیخته با آنها. (پیشین، ص ۴۸۹-۴۸۸).

علاوه بر دو شهر زیلع و بربره، موگادیشو نیز در ترویج اسلام در مرکز و جنوب کشور فعلی سومالی، نقشی مهم بر عهده داشته است. این شهر که در قرون سیزده و چهارده توسط اعراب و ایرانیان (قرامطه) ساخته شد، شهری کاملاً اسلامی به شمار می‌رفت. بنا به تصدیق ابن بطوطه در یک قرن بعد (۱۳۳۰م)، از ابتدای قرن سیزده و احتمالاً پیش از آن، آنها دارای سازمان اسلامی، امام، طلبه و فقیه بودند. (پیشین، ص ۴۴۹).

بر اساس این پیش‌گفته‌ها، زیلع (و تا حدودی بربره)، و موگادیشو، سه قطب اسلام‌گرایی در سرزمین سومالی به عنوان سرپل‌های شبه جزیره عربستان به شمار می‌رفتند. کاروان‌های تجاری از این مبادی به مناطق داخلی و به سلطان‌نشین‌ها و امپراطوری اتیوپی نفوذ می‌کردند. طبیعتاً، اسلام در تمام طول این جاده‌ها و در میان قبایل سومالیایی رواج پیدا کرد؛ زیرا قبایل با پذیرش اسلام، وسیله‌ای جدید و مؤثر برای مخالفت با توسعه‌طلبی مسیحیان حبشه (امهره‌ها) یافته بودند. اما تلاش آنان نتوانست جز با کمک طریقه‌ها و تعلیمات مذهبی که آنها به مردم می‌دادند، اسلام را به طور عمیق در کشور گسترش دهد. (پیشین، ص ۵۰۰).

## ۹- دین رسمی سومالی

اکثریت مطلق مردم سومالی مسلمان و شافعی مذهب می‌باشند. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که حداقل ۹۸٪ از مردم این کشور مسلمان می‌باشند. حدود ۱٪ کل جمعیت سومالی را پیروان آیین مسیح تشکیل می‌دهند و مهم‌ترین گروه مسیحی طایفه ماریانو می‌باشد که از دوره تسلط ایتالیایی‌ها با این نام شناخته شده‌اند. در زمان سلطه ایتالیایی‌ها و انگلیسی‌ها بر دو بخش مهم سومالی، اسلام عامل اصلی مبارزه مردم و وحدت آنها برای کسب استقلال و بیرون راندن اجانب بود. طبق قانون اساسی سال ۱۳۳۹ سومالی، آزادی مذاهب به رسمیت شناخته شده است، اما در اصلاحیه قانون اساسی سال ۱۳۴۲ دین رسمی کشور اسلام معرفی شده و اجازه تبلیغات برای جامعه مسیحیت و جوامع دیگر داده نشده است.

از سال ۱۳۵۱ وزارت آموزش و پرورش سومالی کلیه مدارس، کلیساها و مکان‌های مذهبی را تحت نظارت خویش قرار داد.

از آن‌جا که رؤسای کلیه قبایل سومالی مسلمان می‌باشند و امور سیاست‌گذاری کشور نشأت گرفته از قدرت قبایل بزرگ‌تر است هیچ حکومتی نمی‌تواند برخلاف قوانین اسلامی اقدام کند. در اوایل حکومت «زیادباره» (کودتای ۱۳۴۸) جمعی از روحانیون سومالی به سبب مخالفت با اصول

سوسیالیسم علمی وی محاکمه و حتی اعدام شدند و از آن زمان، گروه‌های مخالف در مرزهای اتیوپی با رژیم زیادباره مبارزه مسلحانه می‌کردند که مهم‌ترین آنها جبهه دموکراتیک ملی و جبهه ملی بود.

## ۱۰- فرقه‌ها و طریقه‌های مذهبی

هم‌زمان با توسعه نفوذ اسلام، با توجه به روحیه مردم سومالی، صوفی‌گرایی نیز در این کشور رشد نمود و در قرن ۱۳ تا ۱۵ میلادی رهبران صوفیه این کشور را مهم‌ترین پایگاه عقیدتی و فکری خویش برشمردند. صوفیه در سومالی به سه بخش عمده تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از:

۱. قادریه؛ ۲. احمدیه (ادریسیه)؛ ۳. صالحیه.

-قادریه: پیروان سید عبدالقادر گیلانی (مؤسس این فرقه در بغداد در نیمه قرن ششم).

تصوف قادریه در قرن پانزدهم میلادی به وسیله شریف ابوبکر بن عبدالله در شهر «حراره» در ایالت «اوگادن» کنونی نفوذ یافت و طوایف «گالا» و «سومال» آن را پذیرفتند. شیخ عبدالرحمن زیلاوی (متوفای سال ۱۸۸۳م. در اوگادن) مؤسس این فرقه در شمال سومالی بود.

در سال ۱۱۹۸ شیخ ابراهیم عمر در اطراف رودخانه «جوبا» مراکز مهمی برای تبلیغ تصوف قادریه احداث نمود. شیخ عبدالرحمن بن عبدالله شاشی معروف به شیخ صوفی و مشهور به «قطب البنادر» در موگادیشو این فرقه را توسعه داد. وی سراینده شعر بسیار معروفی به نام «شجرة الیقین» است که در مدح پیامبر ﷺ سروده شده است. وی در سال ۱۹۱۳م. وفات یافته و مقبره وی زیارت‌گاه صوفیان است و کتاب‌های او در مؤسسات علمی قادریه تدریس می‌شود.

-احمدیه (ادریسیه): این فرقه که به وسیله سید احمد ادریس فاسی ۱۲۰۶-۱۱۳۹ق. در مکه تأسیس گردید، توسط شیخ علی دورگیا (متوفای سال ۱۹۱۷م) از اهالی مرکا به سومالی انتقال یافت. شیخ علی شاعر توانایی بود که افکار خود را با سخنرانی‌های مهیج و اشعار کوبنده بیان می‌نمود. مقبره وی اینک زیارت‌گاه پیروان احمدیه است.

-صالحیه: این فرقه به وسیله محمد بن صالح تأسیس گردید و علت عمده پیدایش آن اختلاف بر سر جانشینی ابراهیم الرشید رهبر احمدیه بود که در سال ۱۲۵۳ فوت نمود و محمد بن صالح خود را جانشین بر حق وی خواند و احکام جدیدی را ارایه نمود.

قابل ذکر است که دندارویه نیز که رقیب طریقه صالحیه به شمار می‌رود، شاخه‌ای از احمدیه است و مؤسس آن سید محمد الدنداروی (متوفای سال ۱۹۰۸م. در مکه) است که این طریقه را در حوالی سال‌های ۱۸۸۵م. در سومالی رواج داد. طریقه مزبور فقط دو مرکز مهم در نزدیکی هجه و شیخ دارد. این طریقه بیشتر از طریقه‌های دیگر در سومالی به جدی بودن و تعصب شهرت دارد و پیروان زن آن، ضمن آن که بایستی پوشیده باشند، به گونه مردان باید از فقه اسلامی پیروی کنند. (پیشین، ص ۵۰۴).

علاوه بر فرقه‌های کوچک و بزرگ صوفیه، گروه‌های اسلامی دیگری در سومالی شکل گرفته‌اند که در حال حاضر در سراسر مناطق شمالی شاخ آفریقا گسترش یافته‌اند. نیرومندترین و شاخص‌ترین گروه اسلامی این منطقه حزب اتحاد اسلامی است که با الگوگیری از اخوان المسلمین شکل گرفته و دامنه نفوذ آن از منطقه سومالی‌نشین کنار خلیج عدن تا منطقه سومالیایی زبان اوگادن در اتیوپی و مناطق سومالی‌نشین در کنیا گسترش یافته است. این حزب که دارای شبکه‌ای جهت انتقال اسلحه و پول به سومالیایی‌های ساکن جیبوتی، اتیوپی و کنیا است، در صدد متحد کردن جوامع مختلف سومالیایی زیرپرچم اسلام است.

## ۱۱- زیارت

اهمیت دادن به زیارت قبور نیاکان، برگزاری مراسم گرامی‌داشت (مولود) و قرائت قرآن و ذکر و ادعیه خوانی از ویژگی‌های بسیار چشم‌گیر مسلمانان سومالی است و هر قبیله و خانواده، برای مؤسس و یا «شیخ» خود دعا می‌کند؛ به عنوان مثال، قبیله ایساک یا دورود، روز تولد مؤسسین خود را جشن می‌گیرند. در جاهای دیگر، «قدیسی» که اسلام را به قبیله آنها معرفی کرده، گرامی می‌دارند. در راهنمای آفریقای شرقی ایتالیا به زیارت عجیب یک محل مقدس که احتمالاً اساسی قدیمی دارد، ولی کاملاً هویت اسلامی گرفته، اشاره شده است: زیارت بورای بی در نزدیکی بورا کابه (در ۱۹۲ کیلومتری موگادیشو). این زیارت توسط رهن و نهنها در روز عرفه صورت می‌گیرد: «هر سنگ، هر فضا، و هر کوره راهی، نام خاص خود را دارد: از جمله غار فاطمه، صخره سیدی احمد بن ادریس، غار شیخ حسین بن یله، غار شیخ عبدالقادر جیلانی، مسجد ابوالقاسم. زایران از طریق یک کوره راه، از کوه بالا می‌روند و در حالی که به سر و صورت خود گل مالیده‌اند، تمام شب را به ذکر گفتن و استغاثه کردن می‌گذرانند و گل روی صورت آنها باقی است، تا خود بیفتند». (بیشین، ص ۵۰۵).

## ۱۲- زبان رسمی در سومالی

گرچه مردم سومالی به زبان سومالیایی سخن می‌گویند، اما در رویارویی با زبان‌های دیگر به ویژه در مقابل آموزش‌های غربی و رواج زبان استعمارگران و اشغال‌گران این سرزمین، روحانیون و شیوخ قبایل در مدارس به ترویج بیشتر تفسیر قرآن و زبان عربی پرداختند، به گونه‌ای که در اواخر قرن نوزدهم هنگامی که انگلستان و ایتالیا بر شاخ آفریقا دست اندازی نموده و دو قسمت مهم سومالی را بین خود تقسیم نموده بودند، این مدارس به رغم فشارهای آنان باقی ماند و مردم از اعزام فرزندان خود به مدارس غربی و اختلاط با معلمان خارجی خودداری نمودند.

در سال ۱۳۵۲ هنگامی که زبان سومالیایی (که با الفبای لاتین نوشته می‌شود) به وسیله حکومت زیاده‌بار زبان کشور اعلام گردید دولت کوشید مسایل ملی را بر مواضع مذهبی ترجیح دهد؛

از این رو شاعران و نویسندگان مهم سومالیایی که قبلاً مطالب خود را به زبان خارجی عرضه کرده بودند تشویق شدند تا اشعار و نوشته‌های خود را به زبان سومالیایی بنویسند.

دیری نیاید که با فروپاشی حکومت زیادباره و تغییر سیاست خارجی کشور و نزدیکی سومالی به آمریکا و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و به ویژه عربستان سعودی، سیاست این کشور در مورد زبان، تغییر یافت و با رواج بیشتر زبان عربی، این زبان، زبان رسمی کشور قلمداد گردید. علت توجه به زبان عربی، از سوی وزیر اطلاعات و ارشاد اسبق سومالی چنین ذکر شده است: «تقویت زبان عربی و احیای فرهنگ عربی و اسلامی در جمهوری دموکراتیک سومالی یک هدف است. دولت سومالی در راه تحقق هدف مزبور، تلاش می‌نماید؛ زیرا ملت سومالی پیرو شریعت اسلام است و فراگرفتن زبان عربی و احیای آن فرهنگ، به مردم کمک می‌کند که اصول دینی خود را درک کنند.» (قمشی، ۱۳۷۳، ص ۲۱ و ۲۲). علاوه بر این، سومالی از تاریخ ۱۳۵۳/۱۱/۲۵ به عضویت جامعه عرب درآمد است و به خاطر موارد ذکر شده، توجه به زبان عربی ضروری است و دولت سومالی راهی عملی برای این کار مشخص نموده و به بهره برداری از شیوه‌های علمی و برنامه ریزی ویژه تشخیص اهداف دور و نزدیک پرداخته است. طبق این برنامه اقدامات زیر انجام می‌گیرد:

- تدریس زبان عربی به کارکنان دانشگاه‌ها؛
- تدریس زبان عربی به مردم؛
- تقویت زبان عربی در مدارس؛
- تکمیل تحقیقات اسلامی مربوط به فرهنگ عربی در سومالی؛
- صورت عربی دادن به جامعه؛
- بهبود مناسبات فرهنگی عربی؛
- پخش برنامه‌های دوزبانه سومالی و عربی در رادیو و تلویزیون. (پیشین، ص ۲۲-۲۱).

### ۱۳- نقش قبایل در سومالی

سومالی کشوری است که در آن حرف اول و آخر را نظام قبیله‌ای می‌زند. چهار قبیله اصلی در این کشور وجود دارد که آنها خود به قبایل کوچک‌تری تقسیم می‌شوند. برای یک سومالیایی هیچ چیز مهم‌تر از قبیله نیست و او حاضر است جان و مال خود را برای آن فدا کند. اگر در سومالی فردی از یک قبیله توسط افراد قبیله دیگری کشته شود، تا آن قبیله انتقام نگیرد، آرام نمی‌نشیند. از این رو اگر از یک سومالیایی بپرسند اهل کجایی، قبل از آن که بگویند سومالیا، می‌گویند: «هبرگرد» یا «ایگال» یا «مولودود» که اسامی قبایل اند. وجود قبایل متعدد و حس قدرت‌طلبی در هر یک از آنها، بر ساختار سیاسی کشور تأثیر گذاشته است، به صورتی که هیچ یک از رؤسای قبایل حاضر به اطاعت و پیروی از قبیله مقابل نیستند و به خود اجازه نمی‌دهند قبیله دیگری بر رأس قدرت قرار گیرد.

به رغم گذشت حدود دو دهه از سقوط زیاد باره، رئیس جمهور سابق این کشور، هنوز هیچ یک از رؤسای قبایل نتوانسته‌اند زمام امور را در دست گرفته و نظم و آرامش را به کشور بازگردانند. اختلافات قبایل عمده از یک طرف و اختلاف نظرهای رؤسای قبایل کوچک‌تر از طرف دیگر، موجب درگیری‌های شدید داخلی، کشته و مجروح شدن تعداد کثیری از مردم سومالی و افزایش فقر و گرسنگی شده است. علاوه بر آن، هر یک از قبایل عمده سومالی قسمتی از سرزمین‌های این کشور را تصرف نموده و بر آن حکمرانی می‌کنند و گاهی نیز با قبایل مجاور خویش به ستیز می‌پردازند. در میان قبایل مختلف سومالی، از بزرگ‌ترین قبایل آن می‌توان از قبيله دارود، ایریر با سه قبيله فرعی هاویه، اسحق و دیر، و قبيله صعب نام برد.

زیادباره، رئیس جمهور سابق این کشور از طایفه مرهان از قبيله دارود بوده است. هم‌چنین عبداللهی نور و عبدالله یوسف دو تن از رهبران شورای نجات ملی سومالی متعلق به همین قبيله می‌باشند.

شاخه هاویه از قبيله ایریر یکی از مهم‌ترین قبایل سومالی به حساب می‌آید. پایتخت و قسمت‌های جنوبی کشور سومالی در اختیار این قبيله قرار دارد. در دوران زیاد باره این قبيله حزب سیاسی فراگیر به نام کنگره متحد سومالی تشکیل داد و طرفداران این حزب توانستند زیادباره را سرنگون کنند. علی مهدی محمد، رئیس جمهور موقت سومالی از شاخه هارتی از طایفه آبگال این قبيله و محمد فرح عیدید رئیس سابق کنگره متحد سومالی از شاخه فرعی سعد (شاخه هابر جدیر) این قبيله می‌باشد.

قبيله اسحق که پس از قبيله دارود و هاویه از لحاظ اهمیت، در مرحله سوم قرار دارد، بیشتر در شهرهای هارگیسا، بربرا و اطراف آن زندگی می‌کنند. بعضی از افراد آن نیز در کشورهای عربی شاغل بوده و از نظر اقتصادی وضعیت مطلوب‌تری دارند. قسمتی از اهالی این قبيله در اتیوپی و جمعی در جیبوتی ساکن هستند. این قبيله تأمین‌کننده اصلی نیروهای چریکی علیه رژیم زیادباره بوده است و اکثر چریک‌های جبهه ملی سومالی (SNM) عضو این قبيله می‌باشند. (پیشین، ص ۹۱۰).

## ۱۵- مظاهر دینی و وضعیت زنان در سومالی

توده مردم سومالی مؤمن و پای‌بند به اسلام و شعایر دینی هستند. مناظری که تا پیش از بروز جنگ داخلی در خیابان‌ها و معابر عمومی موگادیشو به چشم می‌خورد صفوف منظم نمازگزارانی بود که با پخش آوای روح بخش اذان از رادیو یا گلدسته‌های منابر، کار خود را رها ساخته و در حاشیه پیاده روها و در مقابل فروشگاه‌های خود به نماز جماعت می‌ایستادند. تا پیش از جنگ داخلی، آداب و رسوم اسلامی به طور عمیق در این کشور اجرا می‌شد. پخش تفاسیر مذهبی و تلاوت آیات قرآن از رادیو و تلویزیون، تدریس قرآن در مدارس کشور، پذیرش دانشجو برای رشته مطالعات اسلامی،

رعایت پوشش‌های اسلامی در میان بانوان، وجود مساجد متعدد در شهرها و قصبات، همگی از نشانه‌های پای‌بندی مردم این کشور به اسلام می‌باشد. اهمیت این امر از آن جهت است که به رغم این که رژیم زیادباره روابط عمیقی با شرق و غرب داشت و برنامه‌های مبتنی بر سوسیالیسم سال‌ها در این کشور اجرا می‌شد ولی علاقه مردم به دین اسلام کاسته نشده است.

وضعیت عمومی زنان در جامعه سومالی نیز مطلوب است. غیر از معدودی از بانوان سومالی که معمولاً در مشاغل اداری و مؤسسات خارجی مشغول کار می‌باشند اکثر قریب به اتفاق زنان این کشور حجاب سنتی خود را رعایت نموده و پای‌بندی کامل خود را به انجام مراسم مذهبی و عبادات و دلبستگی به تلاوت قرآن مجید و غیره حفظ نموده‌اند و این مسئله نشان می‌دهد که با وجود کوشش‌های انجام گرفته، فرهنگ غربی اثرات ناچیزی در بین طبقه زنان به جای گذارده است.

البته با تأسف باید از این نکته هم غفلت نورزید که در دو دهه اخیر تعداد دختران محصل، با حجاب اسلامی کامل کم شده است. ناگفته نماند که حکومت سابق سومالی به طور مستقیم با حجاب مبارزه نمی‌کرد و حتی آن را تشویق هم می‌نمود، اما در عین حال دانشگاه‌ها، مدارس و ادارات دولتی بانوان را در شکل و شمایل غربی بیشتر می‌پذیرند. اما بانوانی که با سازمان‌های اسلامی ارتباط دارند کاملاً حجاب را رعایت می‌کنند. مدارس و دانشگاه‌ها مختلط بوده و از استادان زن در آموزش علمی استفاده می‌شود. حضور بانوان در کارهای اداری قابل توجه است و در ارگان‌های نظامی مانند ارتش و شهرداری نیز حضور فعال دارند.

البته در شانزده سال اخیر با وجود درگیری‌های شدید داخلی، مردم به شدت نسبت به اجرای شعار مذهب - البته با توجه به فهم و درک خودشان از دین - پای‌بند هستند، و هنوز هم در شهرها و خیابان‌های مرکزی کشور - به جز موارد معدودی - آنچه به چشم می‌آید وجود زنان محجبه است.

## ۱۶- سازمان‌های سیاسی

سازمان‌های سیاسی در سومالی دارای سابقه طولانی نیستند؛ چون در طول مدت زمام‌داری زیادباره هیچ حزب و گروه سیاسی بجز حزب حاکم رسمیت نداشت و حق فعالیت سیاسی از آنها گرفته شده بود. در اواخر حکومت زیادباره تعدادی از قبایل مخالف حکومت به تنهایی یا با ائتلاف با طوایف و گروه‌های دیگر جهت مبارزه با رژیم دیکتاتوری، به تشکیل احزاب یا سازمان‌های مختلف رو آوردند. این احزاب و سازمان‌ها با سقوط رژیم سابق افزایش یافت و گاهی برای مقابله با گروه‌های مختلف با یکدیگر متحد می‌شدند.

اسامی تعدادی از احزاب یا سازمان‌های سیاسی که معمولاً در سال‌های اخیر تشکیل گردیده‌اند، چنین است:

۱. اتحادیه اسلامی سومالی، تأسیس در سال ۱۳۶۹ در لندن؛
۲. اتحادیه دموکراتیک سومالی (SDA) به رهبری محمد فرح عبدالله، تأسیس در سال ۱۳۶۸، نماینده قبیله گادابوری در شمال غربی سومالی؛
۳. جنبش دموکراتیک سومالی (SDM) به رهبری عبدالقدیر محمد عدن، نماینده قبیله راهنوی، تأسیس در سال ۱۳۷۱؛
۴. اتحاد ملی سومالی (SNA)، تأسیس در سال ۱۳۷۱؛
۵. جبهه شرق و مرکز سومالی (SECF) به رهبری هریسی اسماعیل محمد که در سال ۱۳۷۰ تأسیس گردید؛
۶. جنبش دموکراتیک سومالی (SDM) به رهبری یوسف علی یوسف؛
۷. جنبش میهنی سومالی (SPM) به رهبری جنرال عبداللهی نور (گایبو)، نمایندگی قبیله اوگان، تأسیس در سال ۱۳۶۸؛
۸. کنگره متحد سومالی (USC)، تأسیس در سال ۱۳۶۸ به رهبری محمد فرح عیدید (مقتول در سال ۱۳۷۵) و سپس فرزندش حسین فرح عیدید؛
۹. جنبش ملی سومالی (SNM)، تأسیس در سال ۱۳۶۰ در لندن؛
۱۰. حزب سوسیالیست انقلابی سومالی (SRSP) که در سال ۱۳۵۵ به عنوان تنها حزب قانونی توسط زیادباره تأسیس گردید؛
۱۱. جبهه دموکراتیک نجات سومالی (SSDF) که به رهبری عبداللهی یوسف احمد در سال ۱۳۶۰ تأسیس شد؛
۱۲. جنبش ملی سومالی جنوبی (SSNM) به ریاست عبدی ایثار که در سواحل جنوب سومالی فعال است؛
۱۳. کنگره متحد سومالی به ریاست علی مهدی محمد و دبیر کلی موسی نور امین که در سال ۱۳۶۸ تأسیس گردید. (پیشین، ص ۷۴-۷۱).

### ۱۷- آخرین وضعیت سومالی

حکومت دیکتاتوری ژنرال زیادباره پس از ۲۱ سال فروپاشید و وی سرانجام پس از شش ماه آشوب در کشور و دو ماه درگیری مسلحانه با کنگره متحد سومالی، در روز دوشنبه ۸ بهمن ۱۳۶۹ (۲۸ ژانویه ۱۹۹۱) موگادیشو را ترک و به نقطه نامعلومی فرار کرد (روزنامه کیهان، ش ۱۳۱۳۵ چهارده اسفند ۱۳۶۹) و موگادیشو توسط کنگره متحد سومالی اشغال گردید.

علی مهدی محمد (رئیس جمهور موقت سومالی) و ژنرال محمد فرح عیدید که برای سقوط دیکتاتور سومالی با هم متحد شدند، هر دو عضو قبیله هاویه هستند که جبهه متحد کنگره سومالی

نیروی اصلی خود را از این قبیله تأمین می‌کند، ولی هر کدام به شاخه فرعی این قبیله تعلق دارند که با شاخه دیگر در تضاد است. درگیری بین این دو و طرفداران آن دو، سومالی را به صحنه جنگ خونین تبدیل کرده است که از عوارض آن گرسنگی بسیار شدید است که ۳۰٪ سکنه سومالی را با خطر مرگ روبه رو ساخته است.

حوزه قدرت رئیس جمهور موقت، شمال موگادیشو و اطراف آن است و جنوب آن را ژنرال محمد فرح در اختیار دارد. بین این دو، منطقه بی طرف سبز قرار گرفته است. درگیری بین این دو و طرفداران آنها به حدی است که حرکت در سومالی بدون اسکورت مأموران مسلح خطرناک است. هر دو گروه از یمن، مصر، کنیا و آفریقای جنوبی سلاح دریافت می‌کنند. گروه‌های مسلح به محموله‌های غذایی که از کشتی‌ها وارد کامیون‌ها می‌شود حمله و آنها را غارت می‌کنند. از این رو سازمان ملل هیئت غیرمسلحی را برای پاسداری از مواد غذایی، وارد موگادیشو نموده است. (روزنامه اطلاعات، ش ۱۹۶۹۵ و ش ۱۰۶۸۶).

موگادیشو از قرن دهم تا پانزدهم میلادی مهم‌ترین شهر سومالی بود و مرکزیت مذهبی اسلامی داشت و اهالی آن بیش از شهرهای دیگر پیرو اسلام بودند. (گلی زواره، ۱۳۸۰، ص ۳۸۲). وضعیت نأسف‌بار ناشی از جنگ داخلی و حوادث طبیعی مثل خشک‌سالی، هم‌چنان ادامه دارد.

بعد از فروپاشی حکومت زیادباره، آخرین رئیس جمهور سومالی، شانزده سال است که این کشور بدون دولت مرکزی به سر می‌برد. اخیراً اتحاد محاکم اسلامی به رهبری شیخ حسن طاهر عویس و شیخ شریف احمد کنترل مناطق جنوبی، از جمله موگادیشو پایتخت این کشور، را به دست گرفته‌اند. این امیدواری وجود دارد که با رویکرد جدید انقلابیون و مسلمانان سومالی، دست قدرت‌های خارجی قطع گردد و مردم سومالی توطئه‌های بیگانگان را یکی پس از دیگری خنثی کرده، به حکومتی پایدار و عادلانه دست یابند. آیا این اهداف به زودی دست یافتنی است؟!

## ۱۸- ساختار تشکیلاتی محاکم اسلامی

چنان که قبلاً اشاره شده، بعد از فروپاشی حکومت زیادباره در سال ۱۹۹۱ در شرایطی که هیچ قانون مشخصی در کشور وجود نداشت و جنگ سالاران مجاز به انجام هر عملی در کشور بودند، اولین محکمه در سال ۱۹۹۴ توسط «شیخ علی دیری» تشکیل شد که هدف آن مجازات و برخورد با دزدان، قاتلان، راهزنان و جلوگیری از آدم ربایی بود. به گفته شیخ علی دیری این محکمه چند ماه بیشتر دوام نیاورد و آمریکایی‌ها از جنگ سالاران خواستند این محکمه را از بین ببرند.

بعد از گذشت چند سال، گروهی از دانش‌آموختگان سومالیایی که اغلب در دانشگاه‌های خارج از کشور تحصیل کرده بودند دوباره اقدام به تأسیس دادگاه‌های شرعی نمودند. در رأس آنان شیخ



شریف، فارغ التحصیل دانشگاه سودان و شیخ حسن طاهر عویس - سرهنگ سابق ارتش سومالی - که در عربستان سعودی تحصیل کرده بود، قرار داشتند.

در حال حاضر بیش از ۹۳ دادگاه شرعی در سراسر سومالی وجود دارد که رؤسای این دادگاه‌ها، شورای اتحاد محاکم اسلامی را تشکیل می‌دهند. این شورا متشکل از ۸۸ نفر است که در رأس آن شیخ حسن طاهر عویس قرار دارد. در زیر مجموعه این شورا یک شورای اجرایی وجود دارد که شیخ شریف رئیس آن است.

شیخ شریف می‌گوید: «ما در صدد اجرای احکام اسلامی در کشور هستیم، ولی در این راه هرگز به زور متوسل نخواهیم شد و اسلام را با زور نمی‌توان پیاده کرد.» (کد خبر: ۲۲۳۵۱ (Baztab)).  
با توجه به نقشی که محاکم در سر و سامان دادن امور مردم دارند، توطئه‌گران از هر سو آنها را مورد هدف قرار می‌دهند. در حقیقت، چند خطر عمده اتحاد محاکم اسلامی را تهدید می‌کند: ۱- رژیم اتیوپی و اتحاد آن با دولت موقتی که در «بیداوا» تشکیل شده است. این خطر با ورود ارتش اتیوپی به خاک سومالی و تصرف بخش‌هایی از آن جدی‌تر شده است.

۲- با توجه به این که اتحاد محاکم اسلامی از طیف‌های مختلفی تشکیل شده که این طیف‌ها قرائت‌های متفاوتی از اسلام دارند، ممکن است بعضی از آنها دچار تندروی شوند و نتوانند تصمیم درستی در مورد زندگی روزمره مردم و نوع حکومت آینده بگیرند، چون برخی از آنها معتقدند باید جمهوری اسلامی تشکیل شود و به آرای مردم احترام گذاشت و برخی دیگر الگوی مشخصی ندارند و تنها می‌گویند حکومت باید بر اساس شریعت اسلام باشد.

۳- فشار آمریکا و دولت‌های غربی بر محاکم اسلامی، که آنها را متهم به ارتباط با القاعده می‌کنند و از بسط و گسترش حوزه نفوذ محاکم در کشور رضایت ندارند و ضمن حمایت کامل از سیاست‌های اتیوپی در منطقه، ممکن است اقدام به حمله هوایی به بعضی از مناطق هدف در سومالی نمایند. البته در بین نیروهای نظامی محاکم، اعتماد به نفس و اعتقاد راسخ به مبارزه وجود دارد و اغلب آنان می‌گویند: پیروزی از آن ما است چون خدا با ما است. (پیشین).

## ۱۹- تفرقه سومالیایی‌ها و فرصت‌طلبی آمریکا

فروپاشی حکومت محمد زیداباره، باعث ایجاد خلأ قدرت شد و با وجود جنگ داخلی، آتش کینه‌توزی‌های قبایل چندگانه این کشور شعله‌ورتر شد. تفرقه بیش از پیش رواج یافت و کشور به تعدادی تیول‌های تعریف نشده و به طور دائم در حال مخاصمه بین اربابان جنگ تبدیل شد. «سومالی لند» و «یوتان لند» دو مورد از این تیول‌ها هستند که به نوعی حکومت و مرزها را تحکیم بخشیده‌اند و ممکن است الگویی را نه تنها برای بقیه نقاط سومالی، بلکه برای دیگر کشورهای آفریقا که از نظر قومی دچار تفرقه هستند نیز فراهم کنند.

شکست آمریکا در سومالی در سال ۱۹۹۲، شاخ آفریقا را به هدف مورد توجه ایالات متحده تبدیل کرده است؛ به همین سبب سال‌هاست که آمریکا به دنبال یافتن بهانه‌ای برای حمله به سومالی است. هنگامی که سومالیایی‌ها از ایفای نقش طبق مقررات واشنگتن سرباز زدند، ایالات متحده بسیار خشمگین شد. اگرچه این کشور به نصایح اخلاقی خود ادامه می‌دهد، اما هیچ دلیل مناسبی برای بازگشت به این قاره نیافته است، زیرا خطرات بازگشت بیش از منافع آن است و از نظر اقتصادی، در مناطق دیگر، منافع و ثروت‌های سهل‌الوصول تری وجود دارد که حضور آمریکا را در آن مناطق توجیه می‌کند. اگرچه ایالات متحده به بهانه تولید سلاح‌های شیمیایی به سودان حمله نظامی کرد، ولی یافتن بهانه در سومالی که به شدت فقیر بوده و با گرسنگی و خشک‌سالی دست به گریبان است، مشکل بزرگی به شمار می‌رود.

پس از واقعه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله نظامی ایالات متحده به افغانستان و عراق، آمریکا اکنون به بهانه این که سومالی به اعضای القاعده پناه داده است، در صدد حمله به این کشور است تا بتواند ضمن جبران شکست حقرت‌آمیز قبلی، شاخ آفریقا را تحت سیطره خود درآورد و ترتیبات امنیتی منطقه را به نفع خود و رژیم صهیونیستی تنظیم کند. ولی در حال حاضر مسئله عراق و بحران لبنان در اولویت برنامه‌های ایالات متحده به بهانه مبارزه با تروریسم بین‌المللی است و سومالی در زمره اهداف بعدی قرار دارد، به ویژه آن که ایالات متحده ادعا می‌کند که قلمروی خارج از کنترل سومالی به محل استقرار و پناهگاه القاعده تبدیل شده و به این ترتیب، این کشور نیز متهم به پناه دادن به القاعده است؛ هرچند مقام‌های سازمان ملل، وجود یک شبکه تروریستی را در سومالی تکذیب نموده و به طور خصوصی اتیوپی، همسایه و دشمن تاریخی سومالی، را به دادن اطلاعات نادرست برای پیشبرد هدف‌های خود در منطقه متهم کرده‌اند.

## ۲۰- روابط سومالی با جمهوری اسلامی ایران

ایران و سومالی در سال ۱۳۵۱ مبادرت به برقراری روابط سیاسی نمودند و دولت ایران در تاریخ ۷ دی ۱۳۵۱ اقدام به تأسیس سفارت در موگادیشو نمود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی روابط دو کشور تا زمان سقوط حکومت زیادباره در سطح کاردار ادامه داشت. اولین هیئت اعزامی ایران به سومالی پس از انقلاب اسلامی هیئت شورای تبلیغات اسلامی بود که در تاریخ ۵۹/۱۱/۲۱ به موگادیشو سفر کرد و با معاون وزارت خارجه سومالی دیدار و گفت‌وگو نمود. در آن ملاقات، معاون وزارت خارجه سومالی طی سخنانی علاقه آن دولت را به حفظ و تحکیم رابطه با جمهوری اسلامی بیان نمود، اما در دومین سفر هیئت تبلیغات اسلامی در بهمن ۱۳۶۰ نه تنها هیچ یک از مقامات سومالیایی ملاقاتی با هیئت نداشتند، بلکه مدیر کل وزارت خارجه سومالی کاردار ایران را احضار نموده و در مورد فعالیت‌های تبلیغاتی هیئت به وی اخطار دارد.

استمرار جنگ تحملی عراق علیه ایران و حمایت این کشور از عراق موجب شده بود تا روابط دو کشور از رشد چشم‌گیری برخوردار نباشد، به گونه‌ای که سفرهای قابل توجهی از سوی مقامات دو کشور صورت نگرفت، تا این‌که مدیر کل سیاسی وقت کشورهای عربی و آفریقایی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۶۶/۱۰/۴ با سفر رسمی به سومالی، ضمن دیدار با وزیر خارجه این کشور خواستار توسعه روابط دو کشور گردید و ابراز امیدواری نمود که سفر وی شروع خوبی برای توسعه مناسبات باشد. وزیر خارجه سومالی نیز ضمن ابراز خوشوقتی از سفر هیئت جمهوری اسلامی تأکید نمود که مسلمانان برادر هستند و ما در دین و عقیده و خون یکی می‌باشیم.

روند روابط بین دو کشور هم‌چنان در سطح پایینی ادامه یافت تا این‌که در اواخر سال ۱۳۶۹ رژیم زیادباره سقوط کرد. به دنبال سقوط این رژیم و بروز جنگ داخلی، نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در موگادیشو تعطیل شد، اما سفارت سومالی تا اواخر سال ۱۳۷۴ با حضور کاردار در تهران به کار خود ادامه داد. سیاست جمهوری اسلامی ایران از ابتدای شروع بحران سومالی و مداخله کشورهای بیگانه در این کشور مبتنی بر عدم مداخله در امور داخلی آن کشور و محکوم نمودن دخالت بیگانگان بوده است. در عین حال، جمهوری اسلامی ایران از هر تلاش خیرخواهانه برای پایان دادن به جنگ داخلی سومالی و برقراری صلح و امنیت در آن کشور حمایت نموده است و بر این نکته تأکید کرده است که بحران داخلی سومالی باید از طریق مسالمت‌آمیز و با حضور کلیه جناح‌های درگیر حل و فصل گردد. (قمشی، پیشین، ص ۸۷-۸۶). البته با ایجاد تحولات اخیر و روی کار آمدن نیروهای مذهبی و اداره بخش‌هایی از کشور توسط اتحاد محاکم شرعی، این امیدواری وجود دارد که به تدریج از دامنه اختلافات داخلی کاسته شود و «کشور قبیله‌ها» با ایجاد دولتی ملی برخاسته از قبایل و طوایف گوناگون در چارچوب قوانین اسلامی و حاکمیت مردمی، به آرامش و امنیت دست یابد و با اتحاد و یکپارچگی موانع پیشرفت را از میان برداشته، مردم مسلمان سومالی را از فقر و تنگ‌دستی نجات دهد.

## منابع و مأخذ

- ۱- آزیز، حمیدرضا، ترجمه مقاله «کشور مسلمان سومالی و جمعیت خیریه المنتظر» (برگرفته از مجله نورالاسلام، شماره ۱۱ و ۱۲).
- ۲- احمد حامد، هکذا دخل الاسلام ۳۶ دولة، بیروت، دار مکتبة الهلال للطباعة والنشر، ۲۰۰۲م.
- ۳- روزنامه اطلاعات.
- ۴- روزنامه کیهان.
- ۵- ژوزف.ام. کوک، مسلمانان آفریقا، ترجمه سید اسدالله علوی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۶- سایت بازتاب.

- ۷- قمشی، علی، سومالی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- ۸- گلی زواره، غلامرضا، سرزمین اسلام شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان‌نشین جهان، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
- ۹- یحیی، جلال، تاریخ افریقا الحدیث و المعاصر، اسکندریه، مکتب الجامعی الحدیث، ۱۹۹۹.

